

The Crystallization of Shiite Poetry in the Timurid Era & Its Impact on Persian Poetry and Literature

Salman Rahimi¹

Department of Language, Literature and Cultural Studies, Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Gulten Zareei²

Department of Language, Literature and Cultural Studies, Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

Poetry in the 8th century AH, despite being a period of political turmoil and social upheaval, was one of the most brilliant and richest periods of Persian literature. The present study, which was conducted using a descriptive-analytical method, has examined and scrutinized the crystallization of Shiite and Velai poetry in the Timurid era and its impact on Persian poetry and literature. During this period, a deep connection was established between "literature" and "belief", and Shiite and Velai poetry - in praise of the Ahl al-Bayt (AS) - found a special place among the works of poets. After the legacy of Amir Timur faded, the Timurid dynasty reached a period of stability and prosperity in which art and literature were considered not only alongside politics, but also as a means of legitimizing the rulers. The findings of the study show that, during a period of political instability, the Timurid court (especially in Herat) became a haven for poets who wanted to explore deep religious and mystical concepts in a safe environment. The Timurid era was the period that paved the way for the further flourishing of Shiite poetry during the Safavid era. During this period, although Velai poetry did not receive widespread official and state support, it continued to exist and spread through the popular mystic poets and eulogists of the Ahl al-Bayt (a.s.).

Keywords: Shiite Poetry, Timurid Era, Mystical Concepts, Eulogistic Poets.

تبلور شعر شیعی و ولایی در عصر تیموریان و تأثیر آن بر شعر و ادب فارسی

سلمان رحیمی^۱

گروه زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

گلتن زارعی^۲

گروه زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

چکیده

شعر در قرن هشتم هجری، با وجود اینکه دوران آشوب‌های سیاسی و تلاطم‌های اجتماعی بود، یکی از درخشان‌ترین و غنی‌ترین دوران‌های ادبیات فارسی را پشت سر گذاشت. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، تبلور شعر شیعی و ولایی در عصر تیموریان و تأثیر آن بر شعر و ادب فارسی را مورد بررسی و مذاقه قرار داده است. در این دوره، پیوند عمیقی میان «ادبیات» و «عقیده» برقرار شد و شعر شیعی و ولایی-در ستایش اهل بیت (ع)- جایگاه ویژه‌ای در میان آثار شعرا پیدا کرد. سلسله تیموریان، پس از تیره شدن میراث امیر تیمور، به دوران پایداری و شکوفایی رسید که در آن، هنر و ادبیات نه تنها در کنار سیاست، بلکه به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به حاکمان مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، در دوران بی‌ثباتی سیاسی، دربار تیموریان (به‌ویژه در هرات) به پناهگاهی برای شاعرانی تبدیل شد که می‌خواستند در فضایی امن، به مفاهیم عمیق مذهبی و عرفانی بپردازند. عصر تیموری، دوره زمینه‌سازی برای شکوفایی بیشتر شعر شیعی در دوران صفویه بود. در این دوره، اگرچه شعر ولایی به صورت رسمی و دولتی مورد حمایت گسترده قرار نگرفت، اما به‌صورت مردمی و از طریق شاعران عارف و مداحان اهل بیت (ع) به حیات خود ادامه داد و گسترش یافت.

کلیدواژه‌ها: شعر شیعی، عصر تیموریان، مفاهیم عرفانی، شاعران مداح.

۱. مقدمه

شعر شیعی، نماد تفکر و اعتقادات و فرهنگ مکتبی شیعه، در آینه ادبیات آیینی شاعران ولایی شیعی متجلی است. شعر شیعی نشأت گرفته از باورهای ناب معتقدان به ولایت علوی است و آبراهه زلال و پایان ناپذیر آن غدیر خم است. با پیشینه‌های درخشان و پیشکسوتانی نامور و محتوایی سرشار و غنی و متأثر از آیات کلام الله و معارف اهل بیت و اشارات قرآنی و حدیثی به مناقب صاحب ولایت و ثقل اصغر. از زمان حسان بن ثابت، که در روز غدیر خم به اذن پیامبر خدا برخاست و واقعه غدیر را سرود، تا زمان حاضر اشعار فراوانی با محتوای یاد شده و جوهره غدیری درباره امامت حضرت علی - علیه السلام - سروده شده و شاعران عرب و فارس درباره آن ادای حق کردند. هر شیعه متعهد و ولایی احساس وظیفه می‌کرده که برای جاودانه ساختن حقیقت متجلی در غدیر و مرام و مذهب اهل بیت عصمت، از قدرت و طبع شعری خود بهره‌گیرد و رنگ ولایت به سروده‌های خویش بزند، تا به خاطر برخورداری از این «صبغه الله» رنگ جاودانه یابد و همین سبب پیدایش حجم عظیمی از مدایح علوی شده است.

عصر تیموری را «دوره رستاخیز هنر ایرانی» برشمرده‌اند و به روایت تاریخ در این عصر هنرمندان - بسیار - قدر دیدند و بر صدر نشستند. «عصر تیموریان یکی از کارآمدترین دوره‌های فرهنگی ایران از نظر ادبی و هنری بود. زیرا سیاست‌گذاری‌های تیمور و جانشینان او، زمینه مناسبی برای فعالیت‌های فرهنگی فراهم کرد. جریان شعر و شاعری در عهد تیموریان، از آنجایی که مورد استقبال و حمایت مادی و معنوی سلاطین تیموری بود، گسترش و رونق یافت. با توجه به منزلت و میزان اثرگذاری بالای شعر در عصر تیموریان، شاهان و شاهزادگان تیموری برای متقاعد کردن و دستیابی به اهداف خود در روابط سیاسی به شیوه‌ای موثر از شعر استفاده می‌کردند. بهره‌گیری از شعر در نامه‌های سیاسی دوره تیموریان امری رایج بود و یک امتیاز و حسن محسوب می‌گردید.» (پرورش رامکی و پرگاری، ۱۴۰۱: ۳۲) شاعران و ادیبان در عهد تیموریان از جایگاه سیاسی و اجتماعی والایی برخوردار بودند. بنابراین به همان نسبت شاهان و شاهزادگان تیموری برای شعر اهمیت و اعتبار زیادی قایل می‌شدند. از این‌رو برای سلاطین تیموری در سیاست روابط داخلی و خارجی، شعر ابزار

اثرگذار به شمار می‌رفت. اگر چه حکام تیموری دوستدار شعر و شاعران بودند و بسیاری از ایشان خود شعر می‌سرودند؛ اما هزینه‌ای که شاهان و شاهزادگان تیموری برای گسترش شعر و شاعری می‌پرداختند، از پشتوانه سیاسی برخوردار بوده و انتظارات سیاسی آنها را بر آورده می‌نمود.

سلسله تیموریان، پس از تیره شدن میراث امیر تیمور، به دوران پایداری و شکوفایی رسید که در آن، هنر و ادبیات نه تنها در کنار سیاست، بلکه به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به حاکمان مورد توجه قرار گرفت. امیر تیمور (گذار از قرن هشتم به نهم) بیشتر با ویژگی‌های یک فاتح و جنگجو شناخته می‌شد که هدفش گسترش قلمرو بود؛ اما پس از او، نوادگان وی (به‌ویژه در دوران شاه‌رخش و بابر) تلاش کردند از یک قدرت نظامی صرف، به یک حکومت مستقر و دارای ساختار تبدیل شوند. حاکمان تیموری می‌دانستند که برای حکمرانی بر سرزمین‌های وسیع و جمعیت‌های مذهبی (مانند ایران و آسیای مرکزی)، نیاز به پیوند با سنت‌های اسلامی و مذهبی دارند. اینجاست که حمایت از علما، صوفیان و شاعران (از جمله شاعران ولایی) برای آنها یک ضرورت سیاسی تبدیل شد. تمرکز قدرت در شهرهایی مانند هرات (که پایتخت فرهنگی بود) و سمرقند، باعث شد که این شهرها به قطب‌های اصلی جذب هنرمندان و دانشمندان تبدیل شوند.» (عابدین پور و فیاض، ۱۳۶۸: ۱۰۱)

۱-۱. هدف و ضرورت انجام پژوهش

شعر در قرن هشتم هجری، با وجود اینکه دوران آشوب‌های سیاسی و تلاطم‌های اجتماعی بود، یکی از درخشان‌ترین و غنی‌ترین دوران‌های ادبیات فارسی را پشت سر گذاشت. در این دوره، پیوند عمیقی میان «ادبیات» و «عقیده» برقرار شد و شعر شیعی و ولایی (در ستایش اهل بیت ع) جایگاه ویژه‌ای در میان آثار شعرا پیدا کرد.

شعر شیعی و ولایی در قرن هشتم، تنها یک سبک موضوعی نبود، بلکه یک «جهان‌بینی» بود. شاعر در این دوره با نگاهی که هم ریشه در سنت‌های مذهبی داشت و هم با ظرافت‌های عرفانی گره خورده بود، توانست زبان دل‌شعریان را در قالب زیباترین آرایه‌های ادبی بیان کند. پژوهش حاضر که

با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته به بررسی و تحلیل شعر شیعی و ولایی در عصر تیموریان و اهمیت و جایگاه این نوع شعری در ادب فارسی پرداخته است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

علی پرورش رامکی و صالح پرگاری در مقاله «جایگاه شعر در عصر تیموریان» (۱۴۰۱) به بررسی و تحلیل جایگاه شعر در دوره تیموریان پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جریان شعر و شاعری در عهد تیموریان، از آنجایی که مورد استقبال و حمایت مادی و معنوی سلاطین تیموری بود، گسترش و رونق یافت. با توجه به منزلت و میزان اثرگذاری بالای شعر در عصر تیموریان، شاهان و شاهزادگان تیموری برای متقاعد کردن و دستیابی به اهداف خود در روابط سیاسی به شیوه ای موثر از شعر استفاده می‌کردند.

وحید عابدین پور و ابوالحسن فیاض در مقاله «پیوند خوشنویس و تشیع» (۱۳۹۸) به بررسی و پیوند هنر خوشنویسی با شعر شیعی پرداخته‌اند که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت ایرانی از جمله هنر ایرانی و مذهب تشیع در این زمان فرصت رشد و وحدت بیشتری یافتند. سیاست تسامح گرایانه دولتمردان تیموری، پیوند تشیع با جریان تصوف و تلاش شیعیان چه در درون جنبش‌های شیعی و چه به صورت فردی زمینه‌ای را فراهم ساخت تا مذهب تشیع به ویژه در بعد اجتماعی رشد بیشتری نسبت به ادوار گذشته پیدا کند.

شهربانو دلبری در مقاله (تکریم و توجه تیموریان به ائمه و بازتاب آن در گسترش تشیع امامیه) به تکریم تیموریان نسبت به ائمه (ع) در مهیاساختن زمینه برای استواری مذهب تشیع پرداخته‌اند و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در عصر تیموریان بزرگداشت و میزان توجه به ائمه شیعه سیر صعودی یافت و در نهایت به رسمیت یافتن مذهب تشیع و گسترش اعتقادات شیعی در دوره صفویه در ایران کمک شایانی کرد.

۲. بحث و بررسی

«عصر تیموریان به‌ویژه در نیمه دوم قرن هشتم و سرتاسر قرن نهم هجری قمری، دوره‌ای پر بار و سرشار از تحولات در ادبیات فارسی بود. این دوره که پس از فترت حمله مغول و در دوران قدرت‌گیری دوباره حکومت‌های ایرانی-اسلامی آغاز شد، شاهد احیای فرهنگی و شکوفایی ادبی در کانون‌هایی چون سمرقند، بخارا، هرات، شیراز و تبریز بود.» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۷۹)

ویژگی‌های برجسته ادبی عصر تیموریان:

تیموریان، به‌ویژه شاهرخ و بایزید، حامیان جدی زبان و ادب فارسی بودند. این حمایت باعث شد تا سبک خراسانی (متأثر از سبک عراقی) دوباره مورد توجه قرار گیرد و شاعران از تقلید صرف سبک‌های پیشین فاصله گرفته و به زبان فارسی دری، استحکام و غنای بیشتری بخشیدند.

در این دوره، سبک هندی (یا سبک عراقی متأخر/اصفهانی) که شاخصه آن پیچیدگی مضامین، دشواری استعارات، نازک‌خیالی و توجه به جزئیات است، شروع به شکل‌گیری کرد. این سبک بعدها در دوران صفویه و گورکانیان به اوج خود رسید، اما ریشه‌های آن در عصر تیموریان شکل گرفت.

تصوف و عرفان همچنان از جایگاه بالایی برخوردار بود. شاعرانی چون جامی (نویسنده "هفت اورنگ" و "نفحات الانس")، که آخرین شاعر بزرگ کلاسیک فارسی و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های ادبی این دوره است، به بیان مفاهیم عرفانی در قالب‌های گوناگون شعر پرداختند. جامی توانست سبک عراقی را با ظرافت و لطافت خاصی ادامه دهد.

مانند دوره‌های پیشین، شعر مدح و ستایش سلاطین و بزرگان در دربار تیموریان رواج داشت.

شاعران بسیاری قصاید خود را به مدح امیران تیموری تقدیم می‌کردند.

علاقه به تاریخ و ثبت وقایع، باعث شکوفایی آثار تاریخی شد. مورخان توانمندی چون حافظ ابرو (نویسنده "زبدة التواریخ") و میرخواند (نویسنده "روضه الصفا") در این دوره ظهور کردند که آثارشان از جنبه‌های ادبی نیز برخوردار بود.

جمع‌آوری و تدوین آثار ادبی، کتب عرفانی، تاریخی و علمی از فعالیت‌های مهم در این دوره بود. هرات به یکی از مراکز اصلی فرهنگی و ادبی تبدیل شد. علاوه بر جامی، شاعران دیگری نیز در این دوره فعال بودند، هرچند شهرت جامی و تأثیر او بر ادبیات فارسی، در این دوره بی‌رقیب بود.

کانون‌های ادبی:

هرات؛ با حمایت امیر تیمور و سپس شاه‌رخ، هرات به پایتخت فرهنگی تبدیل شد و شاعران، نویسندگان و هنرمندان بسیاری در این شهر گرد آمدند. جامی، هراتی، و کمال‌الدین مسعود خوارزمی (که مقداری پیشتر زیسته بود ولی آثارش مورد توجه بود) از چهره‌های این شهر بودند. سمرقند و بخارا؛ این دو شهر نیز به عنوان مراکز قدرت تیموری، مهمان شاعران و دانشمندان بودند. شیراز؛ در سایه حکومت ابوالقاسم بابر و یعقوب بیگ قره‌قویونلو، شیراز نیز یکی از مراکز ادبی بود. در مجموع، عصر تیموریان را می‌توان دوران ثبات نسبی فرهنگی، احیای سنت‌های ادبی کلاسیک، و زمینه‌سازی برای تحولات بعدی در سبک هندی دانست. این دوره، با تکیه بر میراث غنی گذشته، توانست فصل مهمی را در تاریخ ادبیات فارسی رقم بزند. نحوه تعامل و تفکرات ائمه شیعه (ع) برای نسل‌ها و تا ابد می‌تواند الهام‌بخش باشد. لذا در طول تاریخ آزاداندیشان دوست‌دار خاندان اهل بیت توانستند با الهام از دستورات ایشان، منشا خدماتی برجسته گردند. یکی از دستورات امامان شیعه به پیروانشان آزاداندیشی بود. «تیموریان که از سلسله‌های حاکم بر ایران بودند از تبار ایرانیان به شمار نمی‌آمدند. آنها را باید آزاد اندیشانی به حساب آورد که در طول یک قرن و اندی توانستند با ایجاد فضایی بازتر اسباب پیشرفت علمی و فرهنگی و گسترش هنرها و تفکرات از جمله تفکرات شیعی را فراهم کنند.» (صفا، ۱۳۸۶: ۱۸۹)

دوران تیموریان، دوران «استقرار فرهنگ» بود.

هرات، مرکز جهان هنر: در دوران حاکمیتی مانند «شاخ‌مهر» (شاه‌رخش)، شهر هرات به مرکز اصلی ادبیات و هنر تبدیل شد. در این دوران، کتابخانه‌های عظیم ساخته شد و هنر «کتاب‌سازی» (تصویرگری، خوشنویسی و تذهیب) به اوج خود رسید.

حمایت از ادبیات فارسی: برخلاف بسیاری از سلسله‌های دیگر، تیموریان به شدت از زبان فارسی حمایت کردند. فارسی در این دوره، زبان دیوان‌سالاری، علم و ادبیات تراز اول در سراسر منطقه (از هند تا آناتولی) شد.

تلفیق فرهنگ‌های مختلف: برخورد فرهنگ‌های تورانی (آسیای مرکزی) با فرهنگ‌های ایرانی و اسلامی در دربار تیموریان، باعث ایجاد یک سبک هنری و ادبی منحصر به فرد شد که هم شکوه جنگجویانه را داشت و هم ظرافت عرفانی را.

پناهگاه هنرمندان: در دوران بی‌ثباتی سیاسی، دربار تیموریان (به ویژه در هرات) به پناهگاهی برای شاعرانی تبدیل شد که می‌خواستند در فضایی امن، به مفاهیم عمیق مذهبی و عرفانی بپردازند.

تقویت جایگاه عرفان و ولایت: از آنجایی که بسیاری از حاکمان و اشراف تیموری، خود به مکاتب عرفانی گرایش داشتند، فضای مناسبی برای رشد اشعار «ولایی» فراهم شد. در این دوران، تصوف و تشیع در بافت جامعه بسیار پررنگ بود و شعر، بهترین ابزار برای تبیین این پیوند بود.

ساختار سلسله‌مراتبی و اشعار مدح: نظام سیاسی تیموریان که بر پایه سلسله‌مراتب و عظمت حاکم بود، با سبک «قصیده» و اشعار «مدح» که در آن جلال و شکوه حاکم با عظمت امام (ع) پیوند می‌خورد، همخوانی داشت.

«اگرچه سلسله تیموریان در ابتدا با قدرت نظامی و تهاجم آغاز شد، اما در نهایت با ایجاد بستری مستحکم از حمایت‌های سیاسی و مالی، "رئیسان تیموری" را رقم زد. این دوره که در آن شهر هرات به قطب فرهنگی جهان تبدیل گشت، فضای بی‌نظیری را برای شکوفایی ادبیات فارسی فراهم کرد. در چنین بستری، شعرا توانستند با بهره‌گیری از امنیت نسبی در دربار و حمایت حاکمان متمایل به عرفان، به غنای مفاهیم ولایی و شیعی در قالب‌های متنوع ادبی بپردازند و پیوندی عمیق میان هویت مذهبی و زیبایی‌شناسی هنری برقرار کنند.» (دلبری، ۱۳۹۶: ۴۱)

در قرن‌های پیشین، گاهی میان عرفان (که بر تجربه شخصی و شهود تأکید داشت) و شریعت (که بر قوانین ظاهری تأکید داشت) تنش وجود داشت. اما در قرن هشتم، شعر ولایی این دو را در قالب یک مفهوم واحد یعنی «عرفان ولایی» ادغام کرد.

مبانی این پیوند در شعر قرن هشتم:

۱. ولایت به مثابه حقیقت هستی

شاعر در این دوره معتقد است که جهان بر پایه «نور» بنا شده و این نور، همان حقیقت محمدی و علوی است. بنابراین، شناخت خداوند (هدف عرفان) از طریق شناخت امام (ع) (اصالت ولایت) ممکن است. در واقع، ولایت، همان «پل» یا «واسطه فیض» میان آفریدگار و آفریده است.

۲. انسان کامل

در عرفان کلاسیک، هدف رسیدن به مرتبه «انسان کامل» است. در شعر قرن هشتم، این مفهوم کاملاً با شخصیت امام (ع) گره خورده است. امام (ع) نمونه‌ی اعلای تجلی صفات الهی در کالبد انسانی است. پس سالک با الگوبرداری از سیره و صفات امام، مسیر کمال را طی می‌کند.

۳. تلفیق عشق و اطاعت

در این دوره، «عشق به ولی» و «اطاعت از ولی» دو روی یک سکه هستند. برخلاف برخی مکاتب عرفانی که ممکن است از ظواهر دین فاصله بگیرند، شعر قرن هشتم تأکید می‌کند که «عشق بدون ولایت، بی‌راه است و ولایت بدون عشق، بی‌روح». این یعنی عرفان، در چارچوب ولایت و شریعت معنا می‌یابد.

این قرن، دوران گذار از دوران شکوفایی کلاسیک به سوی دوران‌های پیچیده‌تر است. در این دوره، شکاف میان «عرفان نظری» و «شریعت» در بسیاری از آثار، با حضور مفهوم «ولایت» پر شده است. باید توضیح دهید که چگونه شعر در این دوره، از یک ابزار ستایش درباری، به رسانه‌ای برای ترویج هویت مذهبی و بیان تجربیات معنوی تبدیل شد.

۱. بستر تاریخی و اجتماعی

بررسی دلایل اهمیت یافتن شعر شیعی در سده هشتم:

تلاطم‌های سیاسی: نفوذ و گسترش سلسله‌های مختلف و تضادهای مذهبی، باعث شد شعرا برای حفظ هویت مذهبی خود به شعر پناه ببرند.

رواج مکاتب مذهبی: در این دوره، تبیین عقاید شیعی از طریق ادبیات، راهی برای نفوذ در میان توده‌های مردم و حتی طبقه اشراف بود.

تلفیق تصوف و تشیع: یکی از کلیدی‌ترین نکات مقاله شما باید این باشد که در قرن هشتم، «تصوف شیعی» (که ریشه در ولایت دارد) جایگزین یا مکمل بسیاری از جریان‌های تصوف غیر شیعی شد.

۲. مفهوم‌شناسی «ولایت» در شعر قرن هشتم

ولایت در شعر این دوره سه سطح دارد:

الف) سطح اعتقادی و مذهبی: در این سطح، شعر به بیان حقانیت امامان (ع)، ارجاع به سیره معصومین و تبیین جایگاه امامت می‌پردازد. این اشعار بیشتر با ویژگی‌های قصیده و مدح سازگارند و هدف آن‌ها تثبیت عقیده است.

ب) سطح عرفانی و هستی‌شناختی: در این سطح، «ولی» تنها یک شخصیت تاریخی نیست، بلکه «نور الهی» و «واسطه فیض» میان خلق و حق است. در اشعار این دوره، ولایت به عنوان اصل عالم شناخته می‌شود. شاعر معتقد است که بدون ولایت، شناخت خداوند ممکن نیست.

ج) سطح اخلاقی و سلوکی: در این سطح، امام (ع) الگوی «انسان کامل» است. سالک با الگوبرداری از صفات اخلاقی اهل بیت، مسیر تهذیب نفس را طی می‌کند. در واقع، «ولایت» تبدیل به یک «منهج سلوک» (روش حرکت معنوی) می‌شود.

۳. ویژگی‌های فرمی و ادبی

این محتوا در قالب‌های مختلف ریخته شد:

در غزل: استفاده از زبان عاشقانه برای بیان عشق به امام. در این حالت، «معشوق غزل» اغلب با استعاره‌های مربوط به اهل بیت (ع) پیوند می‌خورد.

در قصیده: استفاده از زبان پرصلابت و با عظمت برای توصیف شکوه و جلال مقام ولایت.

در اشعار مذهبی و ملاحظتی: پیدایش گونه‌هایی از شعر که مستقیماً به روایات و وقایع مذهبی می‌پردازد.

۴. یافته‌های پژوهش (تحلیل تطبیقی)

آیا شعر شیعی در قرن هشتم، جدا از شعر عرفانی آن دوره بود یا در دل آن قرار داشت؟ پاسخ اینست که در قرن هشتم، این دو جریان در هم تنیده شدند. برخلاف برخی مکاتب عرفانی که ممکن است از شریعت فاصله بگیرند، شعر ولایی در این قرن، «عرفان را در چارچوب شریعت و ولایت» تعریف کرد. این یعنی «عشق به خدا» از مسیر «عشق به ولی» می‌گذرد. «شعر شیعی یا ولایی در عصر تیموریان (قرون ۸ و ۹ قمری) اگرچه به اندازه دوران صفویه برجسته و فراگیر نبود، اما حضور و رشد قابل توجهی داشت. این دوره، زمان گذار و تلاقی فرهنگ‌های مختلف بود و شاعران شیعی در کنار شاعران اهل سنت و عرفان، فعالیت می‌کردند.» (صفا، ۱۳۸۶: ۱۶۸)

۴-۱. ویژگی‌ها و تحولات:

تداوم سنت مدح و مرثیه: سنت دیرپای مدح اهل بیت (ع) و مرثیه برای امام حسین (ع) و سایر ائمه همچنان قوی بود. شاعران در قالب قصیده، غزل، و رباعی به این مضامین می‌پرداختند. ظهور شاعران شاخص شیعی: در این دوره، شاعرانی ظهور کردند که اشعار ولایی و شیعی آن‌ها از شهرت برخوردار شد. هرچند برخی از این شاعران ممکن بود در دربار تیموریان که لزوماً کاملاً شیعی نبودند، فعالیت می‌کردند، اما مضامین اشعارشان رنگ و بوی شیعی داشت. تأثیر عرفان: عرفان، که ریشه‌های عمیقی در فرهنگ ایرانی داشت، اغلب با تشیع درآمیخته بود. بسیاری از شاعران عرفانی، مضامین ولایی را در چارچوب دیدگاه‌های عرفانی خود بیان می‌کردند.

۴-۲. مضامین اصلی:

مدح امام علی (ع) و خاندان پیامبر (ص): ستایش فضایل، علم، شجاعت و جایگاه امامت. مرثیه کربلا: بیان حماسه عاشورا، مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش، و اندوه اهل بیت (ع). انتظار ظهور امام زمان (عج): اشاراتی به غیبت و انتظار ظهور منجی. مباحث کلامی: گاهی اشاراتی به مباحث کلامی شیعه مانند عصمت ائمه یا غدیر خم.

۳-۴. سبک شعری:

سبک شعری در این دوره تحت تأثیر سبک عراقی بود، اما نوآوری‌هایی نیز در آن دیده می‌شد. شاعران تلاش می‌کردند مضامین شیعی را با بیانی هنرمندانه و روان ارائه دهند.

۴-۴. مناطق شیعه‌نشین:

در مناطقی که جمعیت شیعه غالب بود (مانند برخی مناطق آذربایجان، ری، و نواحی اطراف)، شعر ولایی رشد بیشتری داشت.

هرچند شناسایی دقیق شاعران کاملاً شیعی در این دوره دشوار است، اما برخی شاعران که اشعار ولایی و عرفانی با گرایش شیعی از آن‌ها برجای مانده، عبارتند از:

شاه نعمت‌الله ولی: عارف نامدار کرمانی که اشعار عرفانی و ولایی او تأثیرگذار بوده است.

ابن حسام خوشفی: شاعر قرن نهم، که قصیده‌ای معروف در مدح امیرالمؤمنین (ع) دارد.

شاعران دیگر: ضمن اینکه شاعران فراوانی در مدح و مرثیه اهل بیت (ع) شعر سروده‌اند که بسیاری از آن‌ها گرایش قوی شیعی داشته‌اند.

در مجموع، «عصر تیموری، دوره زمینه‌سازی برای شکوفایی بیشتر شعر شیعی در دوران صفویه بود. در این دوره، اگرچه شعر ولایی به صورت رسمی و دولتی مورد حمایت گسترده قرار نگرفت، اما به صورت مردمی و از طریق شاعران عارف و مداحان اهل بیت (ع) به حیات خود ادامه داد و گسترش یافت.» (پرورش رامکی و پرگاری، ۱۴۰۱: ۳۴)

شعر در قرن هشتم هجری، با وجود اینکه دوران آشوب‌های سیاسی و تلاطم‌های اجتماعی بود، یکی از درخشان‌ترین و غنی‌ترین دوران‌های ادبیات فارسی را پشت سر گذاشت. در این دوره، پیوند عمیقی میان «ادبیات» و «عقیده» برقرار شد و شعر شیعی و ولایی (در ستایش اهل بیت ع) جایگاه ویژه‌ای در میان آثار شعرا پیدا کرد. برای درک بهتر این موضوع، می‌توان آن را از چند جنبه بررسی کرد: الف) ویژگی‌های کلی شعر در قرن هشتم در این قرن، شعر از حالت صرفاً وصفی و ستایش‌آمیز درباری فاصله گرفت و به سمت مفاهیم عمیق‌تر عرفانی و مذهبی حرکت کرد. از یک سو، غزل و

قصیده در اوج شکوه خود بودند و از سوی دیگر، شعر در خدمت بیان احوال معنوی و پیوند با حقیقت (که در اندیشه شیعی، حقیقت همان ولایت است) قرار گرفت.

ب) پیوند عرفان و ولایت (عرفان ولایی) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قرن هشتم، ادغام «عرفان» با «شیعه‌گری» است. در این دوره، بسیاری از شاعران بزرگ، مفاهیم عرفانی را از دریچه نگاه شیعی تفسیر می‌کردند. در واقع، «ولایت» تنها یک جایگاه سیاسی یا مذهبی نبود، بلکه به عنوان «مرتبه کمال انسانی» و «راه رسیدن به حق» در اشعار تجلی یافت.

امام علی (ع) در اشعار این دوره، نه تنها مولی و پیشوا، بلکه به عنوان «مرکز هستی»، «انسان کامل» و «راه‌نمای سالک» به تصویر کشیده می‌شد.

ج) شاخص‌ترین شاعران و سبک‌ها اگرچه بسیاری از شعرا به صورت ضمنی یا در قالب اشعار مذهبی به موضوع ولایت پرداخته‌اند، اما می‌توان فضای کلی را این‌گونه تقسیم کرد:

شعر در قالب قصیده و مدح: برخی شعرا در قالب قصاید بزرگ، به مدح خاندان پیامبر (ص) و امامان شیعه می‌پرداختند. این اشعار معمولاً با زبانی پرکشش، باشکوه و با استفاده از صنایع ادبی پیچیده سروده می‌شدند تا عظمت جایگاه ولایت را نشان دهند.

شعر در قالب غزل و اشعار عرفانی: در این سبک، مفاهیم ولایی در تار و پود غزل تنیده شده بود. اشعار به گونه‌ای بود که گویی عاشق، در جستجوی وصال معشوق است، اما این معشوق در لایه‌های عمیق‌تر، همان حقیقت ولایتی است که قلب سالک را منور می‌کند.

د) نقش رویدادهای تاریخی: قرن هشتم با تداوم نفوذ تفکرات مذهبی و همچنین تقابل‌های مذهبی - سیاسی همراه بود. این شرایط باعث شد که شعرا از شعر به عنوان ابزاری برای تثبیت هویت مذهبی و ترویج عقاید شیعی استفاده کنند. در واقع، شعر در این دوران نقش «حافظ عقیده» را ایفا می‌کرد.

۴-۵. خلاصه ویژگی‌های شعر شیعی در این دوره:

تلفیق عشق و عقیده: در هم آمیختن عشق الهی با عشق به اهل بیت (ع).

استفاده از نمادهای مذهبی: بهره‌گیری از اسامی مبارکه، داستان‌های کربلا و مفاهیم مربوط به امامت برای غنای ادبی.

عمق معرفتی: گذار از ستایش ظاهری به سوی درک فلسفی و عرفانی مفهوم ولایت.

۵. نتیجه‌گیری

عصر تیموریان یکی از کارآمدترین دوره‌های فرهنگی ایران از نظر ادبی و هنری بود؛ زیرا سیاست گذاری‌های تیمور و جانشینان او، زمینه مناسبی برای فعالیت‌های فرهنگی فراهم کرد. جریان شعر و شاعری در عهد تیموریان، از آنجایی که مورد استقبال و حمایت مادی و معنوی سلاطین تیموری بود، گسترش و رونق یافت. با توجه به منزلت و میزان اثرگذاری بالای شعر در عصر تیموریان، شاهان و شاهزادگان تیموری برای متقاعد کردن و دستیابی به اهداف خود در روابط سیاسی به شیوه‌ای مؤثر از شعر استفاده می‌کردند. بهره‌گیری از شعر در نامه‌های سیاسی دوره تیموریان امری رایج بود و یک امتیاز و حسن محسوب می‌گردید. شاعران و ادیبان در عهد تیموریان از جایگاه سیاسی و اجتماعی والایی برخوردار بودند. بنابراین به همان نسبت شاهان و شاهزادگان تیموری برای شعر اهمیت و اعتبار زیادی قائل می‌شدند. از این رو برای سلاطین تیموری در سیاست روابط داخلی و خارجی، شعر ابزار اثرگذار به شمار می‌رفت. اگر چه حکام تیموری دوستدار شعر و شاعران بودند و بسیاری از ایشان خود شعر می‌سرودند؛ اما هزینه‌ای که شاهان و شاهزادگان تیموری برای گسترش شعر و شاعری می‌پرداختند، از پشتوانه سیاسی برخوردار بوده و انتظارات سیاسی آنها را بر آورده می‌نمود.

در مجموع، عصر تیموری، دوره زمینه‌سازی برای شکوفایی بیشتر شعر شیعی در دوران صفویه بود. در این دوره، اگر چه شعر ولایی به صورت رسمی و دولتی مورد حمایت گسترده قرار نگرفت، اما به صورت مردمی و از طریق شاعران عارف و مداحان اهل بیت (ع) به حیات خود ادامه داد و گسترش یافت.

شعر در قرن هشتم هجری، با وجود اینکه دوران آشوب‌های سیاسی و تلاطم‌های اجتماعی بود، یکی از درخشان‌ترین و غنی‌ترین دوران‌های ادبیات فارسی را پشت سر گذاشت. در این دوره، پیوند

عمیقی میان «ادبیات» و «عقیده» برقرار شد و شعر شیعی و ولایی (در ستایش اهل بیت ع) جایگاه ویژه‌ای در میان آثار شعرا پیدا کرد.

شعر شیعی و ولایی در قرن هشتم، تنها یک سبک موضوعی نبود، بلکه یک «جهان‌بینی» بود. شاعر در این دوره با نگاهی که هم ریشه در سنت‌های مذهبی داشت و هم با ظرافت‌های عرفانی گره خورده بود، توانست زبان دل‌شعیان را در قالب زیباترین آرایه‌های ادبی بیان کند.

منابع

- پرورش رامکی، ع.، و پرگاری، ص. (۱۴۰۱)، جایگاه شعر در عصر تیموریان، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۸).
- دلبری، ش. (۱۳۹۶)، تکریم و توجه تیموریان به ائمه (ع) و بازتاب آن در گسترش تشیع امامیه، ن سیره پژوهی اهل بیت، ۴.
- شمیسا، س. (۱۳۸۸)، کلیات سبک‌شناسی (چاپ چهارم). میترا.
- صفا، ذ. (۱۳۸۶)، تاریخ ادبیات ایران. (ج ۳، چاپ هشتم). فردوس.
- عابدین پور، و.، و فیاض، ا. (۱۳۹۸)، پیوند خوشنویسی و تشیع در عصر تیموریان، تاریخ اسلام و ایران. ۲۸.